

مجمع عرفان، در سال ۲۰۱۰ برنامه چهار ساله تجلیل
یک صدمین سال سفرهای تاریخی حضرت عبدالبهاء
به غرب در سال‌های ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۳ و پژوهش
در خطابات مبارکه را آغاز نموده است

یک صد و یکمین دوره مجمع عرفان
تحت توجّهات محفل روحانی ملی بهائیان آمریکا

به پشتیبانی
صندوق یادبود حاج مهدی ارجمند

از ۱۸ تا ۲۲ می ۲۰۱۱
در مدرسه بهائی بوش
در سانتا کروز - کالیفرنیا
برگزار می‌شود

فروشندگان

Bahá'í Distribution Service (BDS)

415 Linden Ave., Wilmette, IL 60091-2886, USA

Tel.: (847)425-7950 Fax: (847)425-7951

E-mail: BDS@usbnc.org

Bosch Bahá'í School, Bookshop

500 Comstock Lane, Santa Cruz, CA 95060-9677

Tel.: (831) 423-3387 Fax: (831) 423-7564

E-mail: bosch@usbnc.org

Bahá'í Verlag, Eppsteiner Str. 89, D-65719, Hofheim, Germany,

Te.l: (49) 6192-22921* Fax: (49) 6192-22936

E-mail: office@bahai-verlag.de; and

Reyhani Verlag, Benzweg 4, 64293 Darmsstadt, Germany

Tel: 49-6151-95170, Fax: 49-6151-9517299,

E-Mail: druck@reyhani.de

تحری حقیقت : از مفاهیم اصولی و مبادی اساسی در حبیب ریاضتی	۱۱:۴۵ تا ۱۰:۴۵
شریعت بیان و امر بهائی	
تنفس	۱۲:۰۰ تا ۱۱:۴۵
مروری بر لوح مقصود از آثار قلم اعلی	۱۳:۰۰ تا ۱۲:۰۰
بهمین دادگستر	
ناهار	۱۴:۰۰ تا ۱۳:۰۰
وقت آزاد و استراحت	۱۴:۳۰ تا ۱۴:۰۰
بررسی تطبیقی «ختم رحیق مختوم» در کتاب بیان و سایر حبیب ریاضتی	۱۵:۳۰ تا ۱۴:۳۰
ادیان	
تنفس	۱۵:۴۵ تا ۱۵:۳۰
مرکزیت تفسیر و تبیین رسمی در امر بهائی؛ نوآوری ایرج ایمن	۱۶:۴۵ تا ۱۵:۴۵
حضرت عبدالبهاء	
تنفس	۱۷:۰۰ تا ۱۶:۴۵
موسیقی	۱۷:۱۵ تا ۱۷:۰۰
مهم‌ترین مهارت‌های آموزش و پرورش کودکان با نگاهی کیوان گنولا	۱۸:۱۵ تا ۱۷:۱۵
به اصل توافق علم و دین	
شام	۱۹:۳۰ تا ۱۸:۱۵
وقت آزاد و استراحت	۲۰:۰۰ تا ۱۹:۳۰
بحث و طرح سئوالات	۲۱:۰۰ تا ۲۰:۰۰
بزم عرفان	۲۲:۰۰ تا ۲۱:۰۰
کتاب‌فروشی و کافه	۲۳:۰۰ تا ۲۲:۰۰

جمعه ۲۰ می ۲۰۱۱

مشرق‌الاذکار	۸:۰۰ تا ۷:۳۰
صبحانه	۹:۰۰ تا ۸:۰۰
مناجات شروع و اعلانات	۹:۱۰ تا ۹:۰۰
ملاقات حضرت عبدالبهاء با پروفسور هانری برگسن و حشمت شهریاری	۹:۱۰ تا ۱۰:۱۰
گفتگو در باره راز آفرینش	
تنفس	۱۰:۳۰ تا ۱۰:۱۰
موسیقی	۱۰:۴۵ تا ۱۰:۳۰
استفن هاکنینگ و طرح مبتنی بر عقل و شعور	۱۱:۴۵ تا ۱۰:۴۵
حشمت شهریاری	
تنفس	۱۲:۰۰ تا ۱۱:۴۵
حافظ و امر بدیع	۱۳:۰۰ تا ۱۲:۰۰
فارس هدایتی	
ناهار	۱۴:۰۰ تا ۱۳:۰۰
وقت آزاد و استراحت	۱۴:۳۰ تا ۱۴:۰۰

وقت آزاد و استراحت	۲۰:۰۰ تا ۱۹:۳۰
بزم عرفان	۲۱:۰۰ تا ۲۰:۰۰
بحث و طرح سؤالات	۲۲:۰۰ تا ۲۱:۰۰
کتاب فروشی و کافه	۲۳:۰۰ تا ۲۲:۰۰

یکشنبه ۲۲ می ۲۰۱۱

مشرق‌الادکار	۸:۰۰ تا ۷:۳۰
صبحانه	۹:۰۰ تا ۸:۰۰
مناجات شروع و اعلانات	۹:۱۰ تا ۹:۰۰
هفت وادی از نگاهی دیگر	۹:۱۰ تا ۱۰:۱۰!
تنفس	۱۰:۴۰ تا ۱۰:۱۰
موسیقی	۱۱:۰۰ تا ۱۰:۴۰
سخنی در پایان	۱۱:۰۰ تا ۱۲:۰۰!
ناهار	۱۲:۰۰ تا ۱۴:۰۰!

فریس بدیعی

هوپردانبار

پایان برنامه

هماهنگ‌کنندگان برنامه: بهیبه فرحی و سهیلا افغانی

هماهنگ‌کننده بزم عرفان: فیروز مهدی

مجریان بزم عرفان و برنامه های موسیقی:

فیروز مهدی، جمشید پرده‌پوش، عرفانیه فائز، ایرج کمال‌آبادی، ارسلان گنولا، کیوان گنولا، فارس هدایتی، صمیم سعادت، زهره صمدانی، فرشید مدحی، نوشین طغیان و کاوه

سنتی علمای اسلام در تضاد است و با مفاهیم امر جدید بهائی کمال هم‌خوانی را دارد. از مهم‌ترین این مفاهیم، تداوم فیض الهی و عدم خاتمیت ادیان است.

عبدالبهاء مبین است نه شارح ریشه تعالیم خطابات مبارکه در آثار جمال ابهی

مینا یزدانی

حضرت ولیّ عزیز امرالله «مبادی اساسیه»^۱ نظم اداری را «حقیقی» دانسته‌اند که «مبین مصون از خطای آیات الهی در خطابات مبارکه خویش در غرب بیان فرموده است.»^۲ این «مبادی اساسیه» را مبین آیات الله از آثار نفس مظهر ظهور استخراج فرموده‌اند. در این مقال، ابتدا به کنکاشی در مفاهیم «تعالیم»، «حقایق» و «مبادی» که دو مبین آیات الله دور بهائی در آثار خویش به کار برده‌اند، می‌پردازد. سپس با تمرکز بر دو تعالیم «تساوی حقوق رجال و نساء» و «تعديل مشیت»، ریشه‌ها و زمینه‌های این تعالیم در آثار حضرت بهاء الله جستجو می‌گردد. تأکید مقاله بر آن است که حضرت عبدالبهاء در خطابات خود در غرب، تنها به بازگشایی و روشن‌سازی مفاهیمی پرداخته‌اند که مظهر امرالله قبلاً به صورت موجز و مختصر در آثار مبارکه خویش بیان فرموده‌اند و اظهار این تعالیم در غرب، تنها به دلیل فراهم بودن زمینه برای طرح آنها بوده است و نه چنان‌که گاه ادعا گشته است، دلیل بر اخذ آنها از غربیان و یا وضع آنها مناسب با مذاق ایشان. هیکل مبارکش این تعالیم را نه وضع، بلکه تبیین فرموده‌اند.

^۱ "guiding principles." Shoghi Effendi, "Dispensation of Baha'u'llah," in *The World Order of Baha'u'llah* (Wilmette: Baha'i Publishing Trust).

^۲ حضرت ولیّ امرالله، دور بهایی (آلمان، لاگنهاين: ۱۹۷۷) ۹۵. ترجمه

خطابه حضرت عبدالبهاء

در معبد ترمونت (کنفرانس موحدین) در شهر بستن

۲۲ می ۱۹۱۲ شب ۵ جمادی الآخر ۱۳۳۰

«هو الله»

امشب من تازه از راه رسیده‌ام، خسته‌ام؛ با وجود این مختصری صحبت می‌دارم زیرا جمع محترمی می‌بینم در این محضر حاضر و بر خود فرض می‌دانم که صحبت نمایم. ملاحظه نمایید که جمیع کاینات متحرک است؛ زیرا حرکت دلیل وجود است و سکون دلیل موت. هر کاینی که متحرک بینید، آن زنده است و هر کاینی که غیر متحرک یابید، مرده است. جمیع کاینات در نشو و نما است؛ ابدأ سکون ندارد. و از جمله کاینات معقوله، دین است. دین باید متحرک باشد، روز به روز نشو و نما نماید؛ اگر غیر متحرک ماند، افسرده گردد؛ مرده و پژمرده شود؛ زیرا فیوضات الهیه مستمر است؛ مادام فیوضات الهیه مستمر است؛ دین باید در نشو و نما باشد. دقت کنید که جمیع امور تجدد یافته است زیرا این قرن نورانی، قرن تجدید جمیع اشیا است. علوم و فنون تجدد یافته، صنایع و بدایع تجدد یافته، قوانین و نظامات تجدد یافته، آداب و رسوم تجدد یافته، افکار تجدد یافته، حتی علوم قرون ماضیه امروز ابدأ ثمری ندارد. قوانین قرون ماضیه ثمری ندارد، عادات قدیمه ثمری ندارد؛ زیرا این قرن، قرن معجزات است؛ قرن ظهور حقیقت است و آفتاب درخشنده قرون ماضیه است. قدری در علوم نظر کنید؛ آیا فنون قرون ماضیه امروز ثمری دارد یا قوانین طیبه قدیمه، امروز ثمری دارد یا نظامات استبداد ادوار عتیقه امروز ثمری دارد؟ واضح است که هیچ یک ثمری ندارد؛ با وجود این چگونه تقلید ادیان ماضیه امروز ثمری دارد؟ تقلیدی که منبعت از اوهام بوده نه اساس انبیای الهی آیا ممکن است امروز فایده‌ای بخشد؟ علی‌الخصوص در نزد اهل عقل و علم زیرا نظر می‌کنند که این تقلید مطابق حقیقت و علم نیست؛ بلکه وهم است؛ لهذا مادّیون را بهانه عظیمی به دست آمده و مقاومت ادیان می‌کنند. ولی انبیای الهی تأسیس دین حقیقی کردند و از این تقلید به کلی بیزار، بلکه معرفت الهی انتشار دادند و دلایل عقلیه اظهار کردند، بنیان اخلاق انسانیه نمودند و فضایل عالم انسانی را ترویج کردند و دلایل

۵. **تعلیم و تربیت:** تقویت میل به تحصیل تحت تأثیر رفتار والدین، مراقبت در انجام تکالیف مدرسه، عملاً مشوق کتاب‌خوانی بودن، پشتیبانی برنامه‌ها و هدف‌های آموزشی مدرسه، شرکت در فعالیت‌های مدرسه.

۶. **مهارت‌های درست زندگی کردن:** اداره درست امور مالی خانواده، داشتن درآمد مستمر، تأمین مستمر لوازم ضروری خانواده، تخصیص بودجه‌ای برای موارد اضطراری، نقشه‌ای برای آینده داشتن، کوشش مداوم برای بهبود وضع موجود.

۷. **تربیت رفتار صحیح:** استفاده از تشویق و تنبیه در تربیت اطفال و کوشش در استفاده از تشویق بیش از تنبیه، راهنمایی‌ها حتی المقدور توأم با محبت تا با امر و نهی، آموختن فنون معاشرت و تماس با دیگران.

۸. **روش سالم زیستن:** آموختن تغذیه صحیح و استفاده از ورزش و استراحت کافی به اطفال.

۹. **دیانت و معنویت:** توجه به فعالیت‌هایی که به پرورش روحانی و معنوی اطفال کمک می‌کند، همراهی فرزندان در فعالیت‌های دینی و روحانی، پشتیبانی کردن از معاشرت فرزندان با دوستان مؤمن و معتقد.

۱۰. **امنیت خاطر:** توجه لازم به موارد امنیتی، توجه داشتن به معاشرت‌ها و فعالیت‌های اطفال و مراقبت در این‌که معاشرین و سرگرمی‌های آنان، مناسب رشد و نیازهای معنوی آنان باشد. پرورش امنیت خاطر فرزندان به نحوی که فرزندان از در میان گذاشتن مسایل خود با والدین، هراسی نداشته باشند، یا خجالت نکشند؛ قوانین و مقرراتی وضع شود که در حد توانایی جسمانی و روانی طفل باشد.

برآورد این معیارها با دیدگاه بهائی نسبت به وظایف والدین در تربیت اطفال، نشان خواهد داد که چگونه یافته‌های علمی با تعالیم بهائی هماهنگ است و می‌تواند در اجرای تعالیم بهائی مفید واقع شود.

ترقی روحانی سبب عزت عالم انسانی زیرا خدمت به عالم انسانی و اخلاق می‌نماید. مدنیت جسمانی سبب سعادت دنیوی اما مدنیت الهیه سبب عزت ابدیه بشر. انبیای الهی تأسیس مدنیت روحانیه نمودند؛ خدمت به عالم اخلاق کردند؛ تأسیس اخوت روحانی نمودند. و اخوت بر چند قسم است؛ اخوت عائله است؛ اخوت وطن است؛ اخوت جنس است؛ اخوت آداب است؛ اخوت لسان است و لکن این اخوت‌ها سبب قلع و قمع نزاع و قتال بین بشر نمی‌شود و لکن اخوت روحانی که منبعث از روح القدس است، ارتباط تام بین بشر حاصل می‌نماید به کلی اساس جنگ قلع و قمع کند، امم مختلفه را یک ملت نماید، اوطان متعدده را یک وطن کند؛ زیرا تأسیس وحدت نماید؛ خدمت به صلح عمومی کند. لهذا باید بر اساس ادیان الهی پی بریم و این تقالید را فراموش کنیم. آنچه حقیقت تعالیم الهی است، آن را انتشار دهیم و به موجب آن عمل کنیم تا بین بشر اخوت روحانی عمومی نشر گردد و این جز به قوت روح القدس نشود؛ سعادت ناسوتی در این است؛ عزت لاهوتی در این است؛ در جمیع مراتب استفاضه ابدی در این است؛ اعلان صلح عمومی در این است؛ وحدت عالم انسانی در این است؛ به این قوت روح القدس قرن نورانی گردد؛ نجاح و فلاح حاصل شود؛ عموم بشر متحد گردند؛ جمیع اوطان یک وطن شود؛ جمیع ملل ملت واحده گردند. از برای عالم انسانی منقبتی بالاتر از این نیست. الحمدلله در این قرن، علوم ترقی نموده، فنون ترقی کرده، حزیت ترقی نموده، عدالت ترقی نموده لهذا سزاوار عنایات ربانیه گردیده و قرن تأسیس صلح عمومی و وحدت عالم انسانی شده.

(خطابات مبارکه، ج دوم، ص ۷۱ تا ۷۶)

مفهوم عشق و محبت در آثار عرفانی

و امر بهائی

معین افنانی

از حوالی قرن پنجم هجری که آغاز دوران تصوف نظری در ممالک اسلامی محسوب می‌شود، موضوع محبت به عنوان یکی از مواضع اصلی عرفان نظری مطرح شده و به تدریج در رسایل و کتب بزرگان تصوف مورد بحث و تحقیق مفصل قرار گرفته است.

حضرت عبدالبهاء در این لوح، از کیفی و مجازات و عاقبت و پایان کار اقوام و احزاب و ملوک و جباران ظالم و ستمکار در روزگاران پیشین، سخن می‌رانند و آن را پند و عبرتی برای خردمندان و اهل بینش دوران پیش امور، در این دور و زمان به شمار می‌آورند و سرانجام، مؤمنان را مژده و بشارت می‌دهند که به زودی پرده از وجه امر برداشته شود و پرتو آن در سرتاسر جهان بتابد و پرچم‌های آیات پروردگار بر فراز کاخ رفیع امرش به اهتزاز درآید.

حضرت عبدالبهاء، پس از آن، در دوره میثاق، در یکی از الواح در باره چگونگی نگارش لوح خراسان، چنین می‌فرمایند:

«هوالله»

«ای منادی میثاق، سفر خراسان را تأخیر و تعویق می‌اندازند. باید در آن سامان چنان آتش فشان گردید که نار محبت الله شعله‌اش به ملاء اعلیٰ رسد. خراسان در ایام مبارک پر شعله بود و ممتاز از سایر اقالیم و بلدان، ولی حال که آفاق پراشراق است، آن اقلیم ساکن و بی‌صدا و بی‌ندا. لهذا باید هممتی نمود که از دشت و صحرا و کوه و بیدای آن کشور، ندای یا بهاءالاهی بلند شود. پیش از صعود، جمال قدم روحی لاحتبائه الفداء به عبدالبهاء امر فرمودند که از لسان مبارک، تحیتی و خطابی به خراسان بنگارم. این بود که آن خطاب مرقوم شد که عنوانش این است: آیا نَفحاتِ الله مُرّی مُعَطَّرَةٌ. باری، بسیار بکوشید که احبای خراسان مانند بحر به جوش و خروش آیند و گوی سبقت را در میدان محبت‌الله به چوگان همّت براینند. و علیک التّحیة و الثّناء. ع ع»

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج پنجم، ص ۸۷)

مهم‌ترین مهارت‌های آموزش و پرورش کودکان

با نگاهی به اصل توافق علم و دین

کیوان گنولا

آئین بهائی، آموزه‌های نوین بسیاری در باره نقش والدین در تعلیم و تربیت کودکان و جوانان دارد. یافته‌های صاحب‌نظران آموزش و پرورش هم روز به روز به همان راه کارها

می‌داند، سایر بزرگان متصوّفه، عشق را عامل اصلی خلقت دانسته، در شرحش فراوان نوشته‌اند.

در آثار امر بهائی، عشق و محبت به منزله زیربنای الهیات و تعالیم بهائی مطرح گردیده است و جلوات آن را می‌توان در تمامی ابعاد و زوایای آثار بهائی مشاهده کرد. حضرت بهاءالله حدیث قدسی اسلامی را که می‌گوید محبت خداوند دلیل خلقت انسان و کاینات بوده است، در آثار خویش نقل فرموده‌اند.

در این مختصر، تجلی عشق و محبت را در آثار عرفا و شعرا و نیز آثار امر مبارک مورد بررسی قرار خواهیم داد.

مرکزیت تفسیر و تبیین رسمی در امر بهائی

نوآوری حضرت عبدالبهاء

ایرج ایمن

تفسیرها و تبیینات نصوص مبارکه در آیین بهائی بر دو گونه‌اند و یا در دو مقوله قرار می‌گیرند که عبارتند از تفسیر رسمی و تفسیر شخصی. تفاسیر و تبیینات رسمی به طلعات مقدّسه و بنیان‌گزاران امر بهائی و مرکز منصوص عهد و میثاق الهی اختصاص دارد و در حالی که تفسیرهای شخصی، عبارت از دریافت‌ها و مفهومات افراد از مطالعه و مذاقه در نصوص و تعالیم بهائیت است. علاوه بر این، ترجمه کردن نصوص نیز نوعی تفسیر و تعبیر به شمار می‌رود زیرا حاکی از تشخیص و دریافت شخص مترجم از متن اصلی و انتخاب وی از کلمات و عبارات و اصطلاحات است. بنابراین در امر بهائی دو گونه ترجمه نصوص داریم: ترجمه رسمی و مستند که مورد تأیید مرکز منصوص امر بهائیت و ترجمه غیررسمی که توسط سایرین تهیه می‌شود.

یکی از علل و موجبات اصلی بروز اختلاف و به وجود آمدن مذاهب و فرقه‌های متضاد و متخاصم در ادیان گذشته، چگونگی تأویل و تعبیر و تفسیر آثار و کلمات شارعان آن ادیان بوده و هست. تفسیر سخنان و آثار انبیای الهی پایه و اساس به وجود آمدن فرقه‌ها و نحله‌های دینی و اختلاف و نزاع بین آنها شده است. تاریخ ادیان، مشحون از ارتکاب

معانی از معدن عالم انسانی می‌گردد. حضرت بهاءالله می‌فرماید: «این ظهور، لاجل ظهور جواهر معانی از معدن عالم انسانی ظاهر شده» (لوح مقصود) و هم‌چنین می‌فرماید: «لا تحسبن انا نزلنا لکم الاحکام بل فتحنا ختم الرّحیق المختوم با صابغ القدره و الاقتدار» (کتاب اقدس - بند ۵) لذا ختم رحیق مختوم از یک طرف آن‌چه را سبب اسباب نفاق، تعصّب، کوتاه‌نظری و افراطی‌گرایی در اثر تمسک به «صورت ظاهری» کلماتی که فاقد معنی و روح حیات است، بر طرف می‌سازد و از طرف دیگر، موجبات ارتفاع به مدارج عالی معرفت و کمال را فراهم می‌آورد که علت بروز و ظهور جواهر روحانی از معدن عالم انسانی می‌شود.

ملاقات حضرت عبدالبهاء با پروفیسور

Henri Bergson

در پاریس و گفتگو درباره راز آفرینش

حشمت شهریاری

از جمله خصایصی که انسان به عنوان اشرف مخلوقات بعد از دگرگونی‌های بی‌شمار با خود آورده، سه خصیصه مهم را می‌توان نام برد که او را از سایر مخلوقات متمایز گردانیده است:

۱. عقل و شعور که تقریباً در هیچ‌یک از مخلوقات دیگر یافت نشده و این خصیصه در جمع آوری علم و دانش به بشر کمک فراوان کرده است.

۲. حس کنجکاوی که گرچه در بعضی از حیوانات دیگر هم شواهدی از آن دیده شده، در انسان به کمک عقل و شعورش، موجب افزایش میزان دانش او گردیده است.

۳. خصیصه افسانه‌سازی و داستان‌سرایی، در باره رموز اسرار آمیز طبیعت که در باره آنها اطلاعاتی نداشته است.

این داستان‌سرایی، در باره راز آفرینش، شاید پیش از دوران حمورابی شروع شده، ولی بدون شک و تردید، در سنگ‌نوشته‌های زمان حمورابی کشف گردیده که مطابق دانش آن

مبارک در مورد انحطاط سلطه جهانی انگلیس و وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم و علی‌الخصوص شرایط صعود مبارک، جمعاً شاهد و گواه این مقام است.

دین باید پویا و بالنده باشد

فرزانه ثابتان

حضرت عبدالبهاء در سخنانی که در سال ۱۹۱۲ در بستن ایراد فرمودند و موضوع این بحث است نکاتی رامطرح می‌فرمایند که می‌توان تحت عناوین ذیل مورد مطالعه و بررسی قرار داد:

- مسئله حرکت
 - ارتباط حرکت و وجود شناسی
 - حرکت و تجدد
 - مفهوم تجدد در دین
 - لزوم تحرک و رشد و نمای دین
 - موانع حرکت در دین / اوهام و تقلید
 - قرن نوزدهم و جایگاه اجتماعی دین
 - حرکت یا تجدد در دین چگونه حاصل می‌شود
- برای متن خطابه مورد بحث به ابتدای این خلاصه‌ها رجوع کنید

ابعاد گوناگون اهمّیت و تأثیر سفرهای

حضرت عبدالبهاء در غرب

فرهاد ثابتان

برای نخستین بار در تاریخ ادیان پیشوای یکی از ادیان که توسط پایه‌گذار آن دیانت به جانشینش منصوب شده بود، به خارج از منطقه موطنش به ماورای اقیانوس اطلس

خود واصل شود. حضرت اعلی اصل جستجوی حقیقت به صورت فردی و عرفان و تصدیق شخصی را زیر بنا و یا محور اساسی جمیع اعتقادات، احساسات و اعمال و رفتار هر فردی دانسته - ارتفاع و عزت شخص را منوط به این اصل اصیل می‌نمایند. تحرّی حقیقت باید به شواهد حقیقت بنفسه صورت گیرد و طالب سبیل حقیقت نباید به اعراض و انکار و یا حتّی تصدیق حقیقت توسط دیگران اعتنائی نماید. به عبارت دیگر، هر فردی باید خدا را به خود خدا بشناسد و نه به اقوال و رفتار اعالی و ادانی در عالم خلق. این است معنی حقیقی «اعرفوا الله بالله» یعنی آن‌که هر نفسی موظّف است در حدّ استعداد و ادراکی که دارد، از عطیّه تعقل و تفکر و بصیرتی که خداوند به او عطا فرموده، بهره‌مند گشته و بنفسه به تحقیق و ارزش‌یابی یک عقیده و یا موضوعی بپردازد و در این مسیر، سلوک شخص متحرّی با توجّه به شواهد و آثار و آیات خود حقیقت به بررسی و عرفان مشغول گردد و نه به عکس‌العمل‌های دیگران از امثال و اقران. توجّه به تحرّی حقیقت بنفسه آن قدر مهمّ است که بنا به فرموده حضرت اعلی، جمیع اعتقادات دیگر مثل تصدیق خدا به خدا (صدقوا الله بالله)، اطاعت خدا به خدا (اطيعوا الله بالله) و یا تبعیت از خدا به خدا (اتبعوا الله بالله)، همگی در برابر اصل تحرّی حقیقت بنفسه، شئونات فرعیّه محسوب می‌گردند. یعنی تصدیق و اطاعت و اجرای اوامر حقّ طایف محوراصولی تحرّی حقیقت بنفسه و توجّه به شواهد خود حقیقت است (اعرفوا الله بالله) تا جایی که اگر نفسی جمیع این مقامات فروعیّه و شئونات متفرقه را صاحب شود و لکن خودش به اراده باطنی و عشق درونی، حقیقت را نیابد، جمیع این عبادات، تعلّقات و تقدّسات، ارزشی نداشته و ندارد و به عوض آن‌که سبب تقلیب روحانی نفس شود، اسباب احتجابش را از حقیقت فراهم آورده، او را از غایت حیات که عرفان حقّ و خدمت و عبادت خلق است، محروم می‌سازد.

مفهوم ختم رحیق مختوم

در آثار حضرت نقطه اولی

حیب ریاضتی

از جمله شئونات تنزیلی در آثار حضرت نقطه اولی، شأن تفسیر آیات نازله در کتب مقدّسه ادیان قبل است. در ضمن این تفاسیر، حضرت رب اعلی، مفتاح درک رموز و

به طور اعمّ آگاهی و شناخت است و نیز از طرفی دیگر به وضعیّت پر آشوب و اغتشاش جهان رو به زوال، جنگ و تعصّب و بی‌عدالتی و کشتارهای جمعی مورد گفتگو است این موارد فوق، اگر با نگاهی اندیشمندانه و دقیق بررسی شوند، هر یک به تنهایی عنوان کتب متعدّدی می‌باشند. جمال مبارک در این لوح، رؤسا و رهبران دول و ملل و مردم دنیا را اخطار و نصیحت می‌فرماید که مصالحه و آشتی و مسالمت، انواری پر شکوه هستند که راه را بر تحمّل و استقامت روشن می‌سازند و از برای این منظور، رؤسا و رهبران دول و ملل می‌بایست قدرت خود را در حلّ این گونه مسایل و معضلات جهان صرف نمایند.

البته این لوح، دارای نظرگاه‌های دیگری نیز می‌باشد که می‌تواند مورد پژوهش و بررسی قرار گیرد. از جمله بصیرت نسبت به رویدادها و رخدادها و چگونگی کیفیت آنها در گذشته و حال، مورد بحث و گفتگو قرار خواهد گرفت و در نتیجه، گمگشتگی انسان‌ها، جرایم و جنایات، جنگ و ستیز و مصایب طبیعی کره ارض که نگران کننده است، مورد گفتگو قرار خواهد گرفت.

اگر چه این لوح خطاب به یکی از مؤمنین اولیّه است لیکن منظور آن جامعه انسانی است که به خصوص از طریق تعلیم و تربیت، چه فردی، خانوادگی و اجتماعی، به حدّی از کمال که متناسب با مقام شامخ و عالی انسانی باشد، نایل آید. به عبارت دیگر، با توسّل به تعلیم و تربیت است که آدمی می‌تواند به مقام والای انسانیت خود که ردگیری نسبت به اخلاقیات و سیرت آدمیست، برسد و از جواهرات نهفته در درون خویش در راه رسیدن به وحدت عالم انسانی موفق شود.

پیام این لوح، بس منیر و روشن است که می‌تواند بخش عظیمی از درک مفاهیم و بصیرت و یادگیری در جامعه انسانی باشد.

نظری به مادی‌گرایی نوین

از دیدگاه امر بهائی

مهید زائرپور رهنمایی

قرن بیست و یکم شاهد گسترش همه‌جانبه تکنولوژی است که افق‌های جدیدی را برای مطالعات بیولوژیک مغز انسانی گشوده است. تعدادی قابل توجه از دانشمندان علوم

تجربی، پزشکان، فلاسفه، و صاحب‌نظران جامعه با استفاده از نتایج چنین مطالعاتی بر آن شده‌اند که گفتمان‌های جدیدی را در باب نقش ادیان، لزوم آنها و به طور کلی مسایل ایمانی آغاز کنند. حملات این گروه که «مادی‌گرایان نوین» خوانده می‌شوند، در سال‌های اخیر، بسیاری از گفتمان‌های جدّی را در وسایل ارتباط جمعی، کتاب‌های پر فروش و تالارهای سخنرانی در بر گرفته است.

واضح است که حمله به مبانی ایمانی به هیچ روی پدیده‌ای تازه نیست. اما حملات سال‌های اخیر لاقلاً در هفت مورد ذیل، میدان تاخت و تاز کاملاً نوینی را بر روی همگان گشوده است:

۱. این مباحث نوین، دیگر بر مبنای جدل‌های مکتبی و فلسفی و آکادمیک بنا نشده بلکه سعی بر آن دارند که بر تحقیقات آزمایشگاهی بر روی فعل و انفعالات بیوشیمی مغز انسانی تکیه کامل داشته باشد.

۲. امکان هرگونه تطابق یا تجانسی ما بین علم و دین کاملاً انکار می‌شود.

۳. مباحثی مانند «خیر و شرّ» و ارزش‌های اخلاقی از حیثه‌های سنتی فلسفه و مذهب بیرون کشیده شده و بر اساس تجربه و استدلال محک زده می‌شوند؛ چرا که خرد، تجربه و آزمایش علمی به عنوان داوران نهایی در این گفتگوها شناخته می‌شوند.

۴. ادعای راستی و درستی اهل ایمان به سؤال کشیده می‌شود.

۵. ترس ناشی از احیای افراطی مذاهب، مادی‌گرایان نوین را بر آن داشته است که در گفتار و نوشتار خود لحن موعظه‌گرایانه به خود گرفته و «گمراهان» را به سوی خویش بخوانند.

۶. مفهوم دیانت به عنوان یک پدیده شخصی و خصوصی را، خارج از قلمرو قانون‌گذاری اجتماعی، بی‌اعتبار دانسته و خطرات همه‌جانبه آن را گوشزد می‌کنند.

۷. زمان آن رسیده است که ادعاهای مذهبی همانند سایر ادعاها در حوزه‌های دیگر و بدون ترس و واهمه از رنجش مذهب‌یون مورد بررسی قرار گیرند و صحت و سقم آنها مشخص شوند.

این مقاله، در واقع کوششی است دو جانبه که علاوه بر بحث در مورد مؤلفه‌های عمده مادی‌گرایی نوین، به جستجوی نحوه برخورد با این مباحث از دیدگاه امر بهائی می‌پردازد.